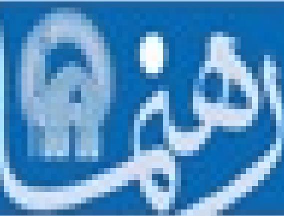




راههای ایجاد صمیمیت در خانه چگونه می باشد؟

شهید محمدجواد باهنر

بسم الله الرحمن الرحیم

رهنما ۱ : (راههای ایجاد صمیمیت در خانه چگونه می باشد؟)

نویسنده:

محمد جواد باهنر

ناشر چاپی:

معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رهنما ۱ : (راههای ایجاد صمیمیت در خانه چگونه می باشد؟)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : راههای ایجاد صمیمیت در خانه چگونه می باشد؟/مولفمحمد جواد باهنر.

مشخصات نشر : تهران: آستان قدس رضوی ، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی، ××۱۳.

مشخصات ظاهری : ۲۲ص.۱۴×۱۲س.م

فروست : رهنما؛ ۲

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

شماره کتابشناسی ملی : ۱۷۹۴۶۸۰

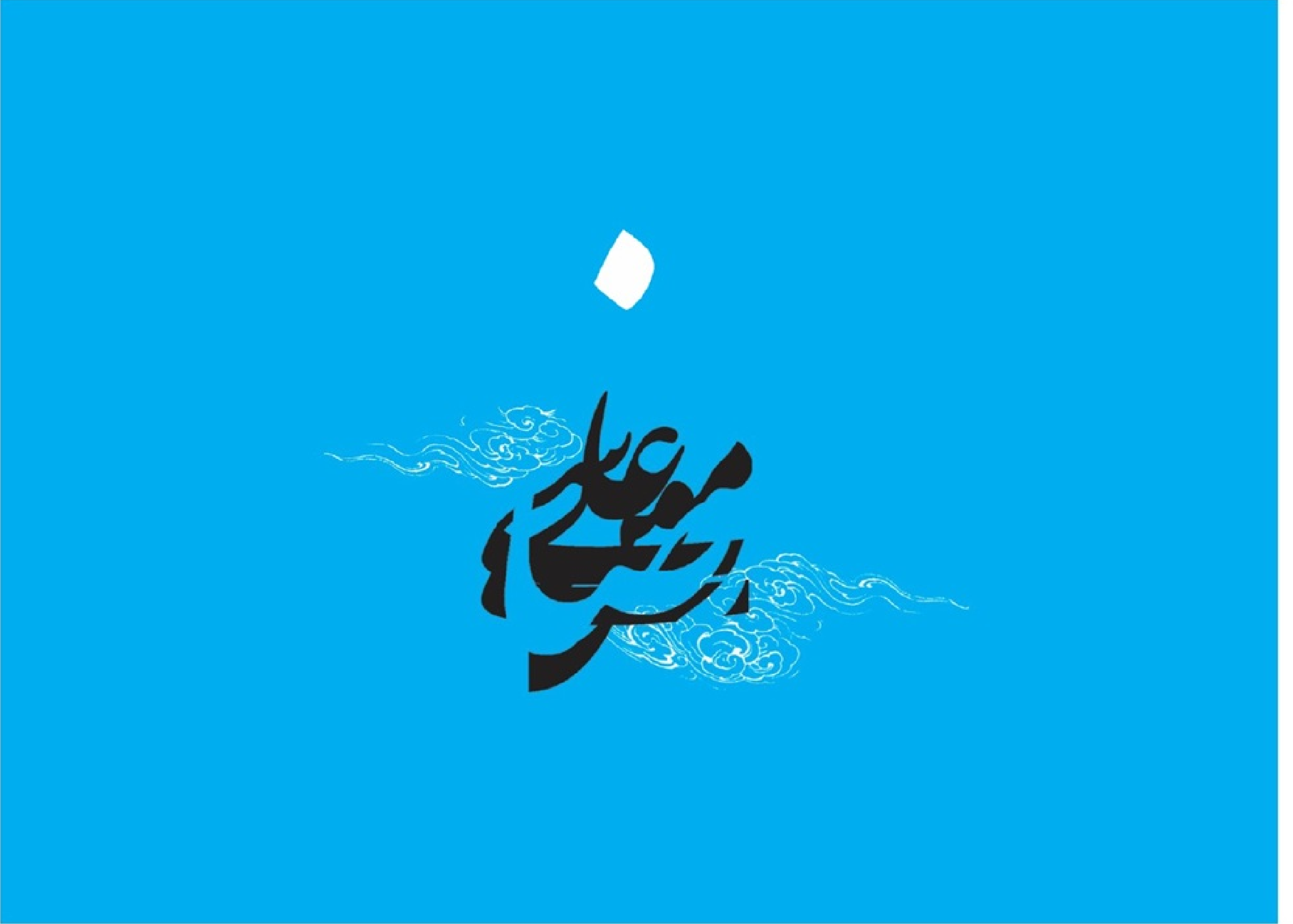
ص:۱

اشاره

راه های ایجاد صمیمیت در خانه

ص:۲

تصویر



ص:۴۰

سه پرسش را در این نوشتار[1] پاسخ می گیرید:

۱. با وجود چه نشانه هایی بفهمیم صمیمیت وجود دارد؟

۲. راه های ایجاد صمیمیت در خانه کدام است؟

۳. در مسیر دشوار تربیت، رابطهٔ صمیمانهٔ والدین و فرزندان چه سود و اثری دارد؟

۱- . بر گرفته از کتاب:گفتار های تربیتی؛ با اندکی ویرایش.

تصویر



۱. نشانه های صمیمیت

تصویر

۱. نشانه‌های صمیمیت

معمولاً، از سه اصل به عنوان نشانه های صمیمیت نام می برند:

۱-۱ کسی را مَحرم ترین و مؤثرترین مشاورِ خود احساس کند:

دوست صـمیمی کسـی است که فرد بتوانـد رازهایش را، بی واهمه، با او در میان بگـذارد و احساس کنـد که او به وی وفادار است و رازش را فاش نمی سازد. نیز، اگر مشـکلی دارد، با او در میان بگذارد؛ زیرا می داند که او به مسائلِ دوسـتش بی اعتنا نیست، بلکه دغدغۀ حلّ آن ها را دارد.

۲-۱ بتواند خواسته هایش را به راحتی با او مطرح کند:

فرد باید بداند که طرف مقابلش دربرابرِ خواسته ها و توقعات او واکنش مثبت نشان می دهد. انسان گاهی برای انجام دادن کاری به مراجعه به دیگری احتیاج پیدا می کند. عده ای هستند که انسان از آن ها به این تعبیر یاد می کند: «او که هیچ» و اساساً هیچ گاه به او مراجعه نمی کند؛

چراکه او آدمی است که هیچ قدمی در راه کمک و یاری دوستش، حتی به زبان، برنمی دارد. چنین شخصی را دوست صمیمی محسوب نمی کنند. دوست صمیمی کسی است که انسان احساس کند آن دوست، یاور و همکار خوبی برای اوست.

۱–۳ انسان به کسی آن قدر احساسِ نزدیکی کند که حتی بتواند نقطه ضعف خود را با او در میان بگذارد:

صمیمیت بین دو نفری برقرار است که بتوانند و جرأت داشته باشند که حتی خطای خودشان را با یکدیگر درمیان بگذارند. یکی از علامت های صمیمیت این است که انسان بتواند ضعف های خود را به دیگری بگوید، با او دردِدل کند و انتظار یاری و همکاری داشته باشد.

بین افراد و جوامع کم رُشد، عینک بدبینی همیشه خیلی قوی است؛ یعنی شخص به دنبال این است که نقطه ضعف یا کمبودی در شخص مقابل بیابد و آن را بزرگ کند. حتی به محضِ

ص:۹

اینکه اشتباه و لغزشی از دوست صمیمیِ چندین ساله اش می بیند، فوری با او قطعِ رابطه می کند یا در حضور وی، به سبب خطایش، مُهر سکوت بر لب می زند؛ درحالی که سال ها از دوستش کار نیک و شایسته دیده است. همچنین، وقتی که کارنامهٔ فرزندش را به دست او می دهند، در نمره ها به دنبال نمره ای ضعیف می گردد و با پیدا کردنِ آن، فریادش بلند می شود؛ درحالی که نمره های خوب را نمی بیند.

چرا چشمِ نقطه ضعف بینی بسیار قوی است، اما درمقابل، چشم نقطهٔقوت بینی، چه در روابط اجتماعی با دوستان و همکاران و همسایگان و چه در روابط خانوادگی با فرزندان، ضعیف است؟ این مسئله مخصوصاً در رواجِ شایعات، مصیبت است. فرد یا شخصیت یا گروهی را به دلیلِ شایعهٔ کوچکی که دربارهٔ آن ها منتشر شده است، بدون تحقیق و فکر دربارهٔ آن، محکوم می کنند و دست به دست و دهان به دهان، آن شایعه را منتشر می سازند؛ گویی رواج این شایعه و خوار کردنِ فرد و بُردن آبرو و حیثیت او، آن هم براساس گمان، ثواب دارد و کاری خیر است! این، از صفات ملتی کم رُشد است.

ص:۱۰

۲. راه های ایجاد صمیمیت در خانه

تصویر

۲. راه‌های ایجاد صمیمیت در خانه

ص:۱۱

بایـد کاری کرد که بچه ها خانه را محیط صـمیمیت بداننـد، دردِدل هایشان را با والدین خود مطرح کنند، حرف هایشان را با آنان بزنند و اگر چیزی می خواهنـد، از آنان بخواهند. گاهی می گویند فلان پدر با پسـر جوانش دوست است: ساعت ها می نشـینند و با هم صـحبت می کنند. جوانی بیست ساله، همراهِ پدر پنجاه سالهٔ خود، مسافرت می کند، راه می رود و دردِدل می کند. آیا شـما هم حاضرید این گونه عمل کنید؟ یا فقط در حـدود همین تشـریفات که بایـد احوالی پرسـید و سـلام وعلیکی باشـد، قانع هستید؟ گاهی، این قدر فاصـله زیاد است که حرفی برای گفتن وجود نـدارد. همین جوان، اگر رفیقش را پیـدا کنـد، دو ساعت با هم حرف می زننـد؛ اما با پدر یا مادرش، مثل اینکه حرفی برای گفتن ندارد! نمی دانیم که آیا روح ها به هم نزدیک نیست یا عواطف شکوفا نیست؟ بالاخره، صمیمیت وجود ندارد.

ده اصل درخصوص چگونگیِ «ایجاد صمیمیت در خانه» وجود دارد که به طورخلاصه بیان می کنیم:

ص:۱۲

۲-۱ وجود صمیمیت بین پدر و مادر:

اگر می خواهید فرزندان با شما صمیمی باشند و همکاری و اطاعت کنند، باید ببینید که آیا شما، پدر و مادر، با هم صمیمی هستید؟ آیا خواهر و برادرهای بزرگ تر نسبت به پدر و مادر و نسبت به یکدیگر، صمیمی هستند؟

این اشتباه است که انسان فقط دستور دهد و از دیگران بخواهد؛ اما عملش نمودارِ سخن او نباشد:]کونوا دُعاه الناس بغیر ألسِنتکم.[(= مردم را نه فقط با زبان، بلکه با عمل به راه خیر دعوت کنید.) عمل شما می تواند نمودارِ جهت و راه و خواست شما باشد. چه بسیار زن و شوهرهایی را می بینیم که غیر از صحبت دربارهٔ وسایل و احتیاجات زندگی، حرفی برای گفتن به یکدیگر ندارند. اینکه بنشینند و دربارهٔ مسئله ای اجتماعی، فکری یا دینی با هم بحث کنند، برایشان مطرح نیست. همان خانمی که موقع رفتن، بعد از آنکه خداحافظی اش را کرد، باز هم یک ساعت روی پا می ایستد و با خانم های دیگر حرف می زند، وقتی با شوهرش می نشیند، مثل

تصویر



ص:۱۴

اینکه هیچ حرف و مسئله ای برای گفتن ندارد!

دست کم، در شبانه روز، نیم ساعت با هم صحبت کنید: نه سخنان معمولی و جاروجنجال و توقّعات مالی؛ بلکه صحبتِ باهدف و نتیجه بخش داشته باشید. اگر داخل خانه، بین شما پدر و مادر، این صمیمیت و همکاری وجود داشت، آنگاه می توانید توقع داشته باشید که فرزندانتان هم با شما همکاری کنند. اگر به حرف ها و پیشنهادهای یکدیگر احترام می گذارید، توقع داشته باشید که فرزندانِ شما هم به دستورها و فرمان های شما احترام بگذارند.

نسخهٔ این درد چیست؟ اولین دارویی که دراین خصوص تجویز می کنند، این است که خودتان با یکدیگر صمیمی باشید؛ دوست همدیگر باشید و درددِل خود را به یکدیگر بگویید تا در این محیط، این صفات پرورش یابد.

ص:۱۵

۲-۲ هوشیاری، دقت، حسابگری:

درصورتی صـمیمیت ایجاد می شود که فرزند احساس کند اولیایش انسان های هوشیار و مشکل گشایی هستند. گاهی، بچه ها نقاط ضعفی از پدر و مادر به دست می آورند. ممکن است بچه پیشِ خود بگوید: «پدرم کودن است و می شود او را فریب داد.» مثلاً فرزند اشـتباهی مرتکب شده است و به گونه ای دیگر برای پدر توضـیح داده است؛ بهانهٔ دروغین آورده و پدر هم قبول کرده است یا هزار کار خلاف مرتکب شده و پدر اعتنا نکرده است؟! بنابراین، او احساس کرده است که پدرش، آدمی نیست که روی کارها حساب کند و ریزبین و تیزبین باشد.

البته تصور نکنید که پایین بودنِ مَدرک تحصـیلی یا موقعیت اجتماعیِ پدر، عامل این مشکل است؛ گاهی ممکن است پدر، درعِین بی سواد یا کم سواد بودن، بـاهوش و حسـابگر و زرنـگ باشـد. ای بسـا، لازم باشـد همـهٔ مـا در این زمینه آموزش ببینیم. گاهی، رفتار شـخص در روابط اجتماعی، به گونه ای است که نمی توان به او اعتماد کرد؛ اگرچه ممکن است ازنظر اخلاقی پاک

ص:۱۶

و سالم باشد، ازآنجاکه فرد ساده ای است، نمی توان روی او حساب کرد. به قول معروف، خطش را خوانده اند. اگر احساس بچه این باشد که می توان پدر و مادر را فریب داد، با آنان احساس صمیمیت نخواهد کرد؛ لذا موضع گیری می کند و کار خودش را انجام می دهد.

۲-۳ رفتار اخلاقی و شخصیت تربیتی:

زیبنده است که از رفتار اخلاقی و شخصیت تربیتیِ پدر و مادر، خاطرهٔ بزرگی در دل فرزندان وجود داشته باشد؛ یعنی آنان لمس کرده باشند که پدر راست گوست، به وعده هایش وفا می کند و عادل و درستکار است. نیز، مادر، پاک دامن است و... . درستکاری و پاکی و صداقت و حُسن خُلق به انسان شخصیت می دهد و جایگاه او را بالا می آورد. این شخصیت قوی، نفوذ ایجاد می کند و با این نفوذ، می توان فرزندان را رام کرد؛ یعنی دربرابرِ والدین تسلیم ساخت.

ص:۱۷

۲-۴ برخورد منطقی با خطاهای فرزندان:

برخی پدر یا مادرها به گونه ای عادت کرده اند که با دیدنِ کوچک ترین تخلّف از فرزندشان، واکنشی شدید نشان می دهند. بچه اشتباهات زیادی می کند: غذا را وارونه می کند؛ ظرف را می شکند؛ فرش را کثیف می کند؛ دیوار را خراش می دهد؛ کوچک تر از خودش را می زند؛ لباسش را آلوده می کند. خطا در زندگی بچه فراوان است.

نوعی از موضع گیری این است که به محضِ مشاهدهٔ کوچک ترین خطایی از فرزند، خودبه خود دست بالا می رود و بر سروصورتِ کودک فرود می آید و دهان باز شده و توهینی نثار شخصیت کودک می شود. این موضع گیری، رفته رفته، توان خود را از دست می دهد. هرچه خشونت بیشتر شود، کودک جسورتر می شود. البته، خشونت غیر از صلابت و حسابگری است. برعکس؛ ممکن است موضع گیری پدر و مادری درمقابل رفتارِ خلاف بچه، بی اعتنایی باشد: بچه فریاد می کشد، کوچک تر از خودش را اذیت می کند، پایین وبالا می پرد، کثیف می کند و... ؛ پدر و مادر

ص:۱۸

هم بی اعتنا و خونسردند. هر دو روش، غلط است.

این مشکل برای معلم نیز در کلاس ها پیش می آید: امکان دارد معلمی موضع گیریِ خشنی داشته باشد و کوچک ترین تخلّفی را با تندی پاسخ دهد یا برعکس: معلمی درمقابل خطاهای شاگرد، هیچ گونه واکنشی نداشته باشد. نه در آن محیطِ خفقان و خشک و نه در این محیطِ بی اعتنایی، هیچ گونه دوستی و صمیمیتی به وجود نمی آید و به دنبال آن نیز هیچ گونه همکاری و کمکی وجود نخواهد داشت.

پس چه باید کرد؟ اینجا از مواضع بسیار حساس است: درمقابل هر خطا، باید واکنشی مناسب داشت. فرزند، خطایی کرده است و پدر و مادر هم عصبانی شده و اختیار از دست داده اند. دراین حالت، هر تصمیمی که گرفته شود و هر کاری که انجام گیرد، غیرمنطقی است و عُقلایی نخواهد بود. باید صبر کرد تا عصبانیت فرو بنشیند و انسان بتواند با حساب و منطق، کاری انجام دهد.

ص:۱۹

مسئلهٔ دیگر این است که اگر موضع گیری در اولین مرحله، کتک زدن یا ناسزاگفتن و فریاد بیجا باشد، غلط است؛ اما درعین حال، نمی توان درمقابل این خطای فرزند، ساکت بود و هیچ نگفت؛ باید صحبت کرده و تا حدی، ملامت و بازخواست کرد و عواقب بدِ آن عمل را به او نشان داد و چه بهتر است که انسان، قبل از پیدایش آن تخلف، پیش بینی و پیشگیری کند.

همین جا این مسئله را نیز مطرح کنم که نباید توقع داشته باشید فرزندانتان مطیعِ محض شما باشند. انسان واقعاً گاهی از اینکه فرزند خُردسال و کودک سه چهارساله اش دربرابرِ دستوری، شانه هایش را بالا می اندازد و با بی اعتنایی کار خودش را می کند، لذت می برد! این کودک شخصیت و اراده دارد. او انسان است و خداوند U انسان را آزاد آفریده است. به خدا قسم، اگر این موهبتِ آزادی در افراد و انسان ها رشد یابد و رهبری شود، عقل ها شکوفا و استعدادها بارور و انسان ها ساخته می شوند. برعکس؛ آن زمانی که این استعدادِ بزرگ انسانی که شاید رمز انسانیت باشد، شکسته و بی نتیجه شود و انسان نتواند فکر کند و حرف بزند، دراین صورت، تمام

ص:۲۰

استعدادها لجن مال و سرکوب می شود و اصلاً شکوفایی و رشدی در کار نخواهد بود. اگر شما روی جوانه ای که با کمال طراوت و نشاط، از دلِ زمین روییده است، سنگی سخت بگذارید، پژمرده و لِه می شود؛ اما اگر وسایلی را فراهم سازید که برای رشد آن لازم است، اطرافش را مقداری شیار بزنید و آب وکود بدهید، زودتر از دل خاك بیرون می آید و آزاد می شود و رشد می کند. البته اگر به این سو و آن سو منحرف شد، رهبری اش کنید؛ اگر آفتی آن را تهدید کرد، سم پاشی و آفت زدایی کنید و اجازه دهید آزاد بالا رود.

نباید توقع داشت که فرزندان، خودشان نیندیشند، شخصیت نداشته باشند، نتوانند تصمیم بگیرند و همیشه گوش به زنگِ فرمان های پِی درپِی باشند؛ آن هم فرمان هایی که اگر در هفته یا روز، از مجموع بُکن و نکن هایی که به فرزند می گویند، نوار بگیرند (خصوصاً مادران)، بمبارانی از دستورها جمع می شود: دست نزن؛ این طرف نرو؛ اینجا ننشین؛ حرف نزن و... . کودکی که دربرابر این همه فرمان قرار می گیرد، نمی تواند تشخیص دهد یا تصمیم بگیرد و لذا اراده اش از بین می رود.

ص:۲۱

تصویر



ص:۲۲

بنـابراین، نه می توان فرزنـد را آزاد گـذاشت که هرچه خواست انجام دهـد و نه می توان توقع داشت که به هرچه اولیا می گوینـد، عمل کنـد. البته، گفته های والدین هم باید منطقی باشد. برای مثال، درحالی که بچه نشسته و درسـش را می خوانَد یا سخت، مشغول انجام دادن تکالیف است، ناگهـان پـدر دسـتور می دهـد: «برو آب بیـاور» یا «برو در را باز کن.» در چنین موقعیتی، تاحـدّامکان، نه تنها نبایـد فرمان داد، بلکه باید وضـعیت بهتر را فراهم کرد تا فرزنـد، بیشتر و بهتر بتوانـد کارش را انجام دهـد. بنابراین، برخورد منطقی با خطاهای فرزند، از اصول مهم ایجاد صمیمیت است.

۲-۵ بهادادن به نقاط قوّت فرزندان:

قبلاًـ اشاره کردم که ما، تنها، نقطه های ضـعف را می بینیم. بگذاریـد جامعـهٔ ما به این عادت کنـد که نقطه های قوّت را پَروبال دهـد. از میزان عدل الهی که نباید سبقت بگیریم! آنجا گناهان و ثواب ها را با هم می سنجند و ترازو و حساب و معادله ای در کار است. به علاوه،

خداوندU می فرماید ما کارهای خیرِ شـما را ده برابر اَجر می دهیم:]مَن جَاء بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا[(انعام/۱۶۰) اما اگر فرزند ما، یک شب، تکلیفش را دیرتر انجام دهد یا نمرهٔ کمی بیاورد یا اینکه کار خلافی مرتکب شده باشد، برایمان بسـیار مهم جلوه می کند و عصبانی می شویم و احیانـاً، فریـاد می زنیـم و مؤاخـذه می کنیـم. چرا اگر ده مرتبه کـار خـوب انجـام داده است، آن هـا را به حسـاب نمی آوریم؟ چرا وقـتی که تکلیفش را درست انجام داده و دندانش را به موقع مسواک کرده و لباسـش را مرتّب نگه داشـته است و در خانه، همکاری کرده است، تشویق نمی کنیم تـا احساس کنـد برای کارِ او، حساب باز می کننـد؟ بنابراین، امتیازدادن و تشویق کردن دربرابر کارهای مثبت، از اصول دیگرِ ایجاد صمیمیت است.

۲-۶ ایجاد محیطی صمیمانه برای بحث و گفت و گو:

انسان باید بنشیند و برای فرزند خود داستان بگوید یا با او بازی کند. گاهی بین بچه ها

و والـدین، صـمیمیت فراوانی وجود دارد: پـدر یـا مادری با فرزنـد خود موضوعی را طرح و درباره اش بحث و گفت وگو و دردِدل می کننـد. اساساً، باید از فرزندان خواست که برای والدین حرف بزنند. می توان از آنان پرسید که امروز، چه مسائلی پیش آمد؟ در مدرسه و در راه، چه دیدی؟ معلم چه گفت؟ کلاس چه طور بود؟ چه یاد گرفتی؟ بعد هم می توان دیدگاه های خود را برای آن ها گفت. البته، اینکه چه چیزی را کجا و چگونه بگوییم، در جای خود محلّ بحث است و آنچه مهم است این است که بَدآموزی در آن نباشد.

۲-۷ نظرخواهی از فرزندان در امور خانواده:

نگوییـد: «من می خواهم خـانه را عوض کنم؛ این بچـهٔ شـش یـا ده ساله که نمی توانـد طرفِ مشورتم قرار گیرد.» اتفاقاً، با این هـدف مشورت کنید که بچه را به حساب آورده باشید. مثلاً بپرسید: «امروز ظهر غذا اگر چه باشد بهتر است؟ فردا که می خواهیم به مسافرت برویم، از کدام

راه برویم؟ با چه وسیله ای برویم؟»

یک مقدار با بچه ها مشورت کنید و اجازه دهید نظرِ بد و ناقص بدهند تا بعد، نظرشان را اصلاح کنید. آنان را راهنمایی و برایشان اثبات کنید که اگر از فلان راه برویم یا اگر غـذا را این طور بپزیم، بهتر است و اگر هم نظر خوبی بیان کرد، به آن عمل کنیـد. خصوصاً، این روش را باید برای فرزنـد بزرگ تر و بالغ اِعمال کنیـد. اینان نظر و فکر دارنـد. اگر مایلیـد در کنار شـما باقی بماننـد، بیگانه نشونـد و حرف هایشان را برای دیگران نگویند، با آنان مشورت کنید و اجازه دهید اسرارشان را برای شما مطرح کنند. به نظرشان بها دهید.

البته، منظور این نیست که آنان دوست و مشاور نداشـته باشـند؛ اما آنچه مهم است این است که شما هم باید از مسیر زندگیِ آنان مطلع باشید. این امر را با زور نمی توان تحمیل کرد و از آنان خواست که کارها و تصـمیماتشان را بیان کننـد؛ بلکه باید محیطی به وجود آورید که فرزند، قبل از همه، به سراغ شما بیاید. این مسئله اغلب برای بچه ها مطرح است که بچه مطلب و خبر تازه ای دارد،

ص:۲۶

اما آن را برای همه بیان نمی کنـد؛ تنها، برای بعضـی دوسـتانش بازگو می کنـد. اصـلاً خود شـما هم که مطلب تازه ای دارید، عجله دارید که فلان دوسـتتان را ببینید و آن را برای او تعریف کنید. باید محیطی به وجود آورید که فرزندتان، قبل از همه، دوست داشـته باشد که حرفش را با شما مطرح کند.

۲-۸ ایجاد محیط همکاری و تقسیم مسئولیت:

دوست دارید که فرزندتان در خانه، با شـما همکاری کند؟ این خواسـته بسیار خوب و لازم است؛ اما برای تمرین این کار، چه اشکال دارد که تقسـیم مسـئولیت کنید؟ به تناسب سِن و توان بچه ها، کارها را بین آنان تقسیم کنید: یکی سفره بیندازد، یکی در شستنِ ظرف ها کمک کند، دیگری خرید کند و... . کارها را خیلی منطقی و عادلانه تقسیم کنید، ولی از آنان مسئولیت بخواهید. گاه گاهی هم بد نیست که جای آنان را در مسـئولیت هـا، تغییر دهیـد. اگر تقسـیم کـار نباشـد و بی حساب عمل شود، گاهی به طور غیرعادلانه، کاری به یکی از فرزنـدان تحمیل می شود؛

مثلاً پـدر یا مادری در نصف روز، کارهای زیادی را برعهـدهٔ فرزنـدِ خود می گـذارد: توقع دارند که باغچه را آب دهد، خرید کند و کارهای دیگری هم انجام بدهد. اگر حساب کنید، می بینید وقتِ دیگری برای بچه باقی نمانده است. حتی خیلی مفید است که اگر خودِ پدر و مادر به مسافرت می رونـد، کار را بین خودشان تقسیم کننـد تا برایشان به صورت عادی درآید. ممکن است در محیط کارتان دراین زمینه خیلی فعال باشید، اما در محیط خانه، اغلب بی توجه هستید.

۲-۹ رعایت عدالت در بین فرزندان:

اگر می خواهید بچه ها نسبت به شـما وفادار و صـمیمی باشـند، با آنان رفتاری عادلانه داشـته باشید. به قدری بچه ها دقیق اند که واقعاً تعجب برانگیز است. برای مثال، فرض کنید که میوهٔ فراوانی در ظرف هست؛ اگر سیب بزرگ تر را به بچه ای و سیب کوچک تر را به دیگری بدهید یا احیاناً اگر مادر سرِ سفره، در ظرفی که قدری کهنه تر است، به یکی و در ظرف بهتر، به دیگری

غذا بدهد، بچه می پرسد چرا؟

حال، موقع خرید برای بچه ها، حرف زدن با آنان، شماتت یا تهدیدکردنشان که جای خود دارد. فرض کنید امروز پای یکی از بچه ها، به ظرفی خورده و آن را شکسته است. شما هم فریادتان بلند می شود و او را تنبیه می کنید. فردا، برادر یا خواهرش همین خطا را تکرار می کند و شما اعتنایی نمی کنید. بچه بسیار باهوش و حساس است و می پرسد که چرا دیروز مرا دربرابرِ این خلاف، تنبیه کردید؛ اما امروز که خواهرم همین خطا را مرتکب شد، بی اعتنا از کنارِ آن گذشتید؟

اگر می خواهید فرزندانتان با عدالت خو بگیرند و طرفدار و خواستار و مجریِ آن شوند و با جامعهٔ عادل، پیوند برقرار کنند، عدالت را باید از قدم های کوچک و در کوچک ترین مسائل تمرین کرد.

دربارهٔ معلم هم، در کلاس، مسئله به همین صورت است: باید به طوریکسان از بچه ها بپرسد؛ دربرابرِ تکلیف معیّن و مسئلهٔ معیّن یک نمره بدهد؛ به حرف همه، به تساوی گوش دهد و فقط از چند دانش آموزی که سرزبان دار هستند و خیلی خوب جواب می دهند، نپرسد.

ص:۲۹

به همین ترتیب، نکات دیگری ازاین قبیل را مراعات کند.

حضرت علی دخترشان را احضار می کنند و می پرسند: «چرا این گردن بند را از بیت المال گرفتی؟» دربرابرِ برادرشان، عقیل، می ایستند و می فرمایند: «بیشتر از آنچه حق توست، از بیت المال به تو نمی دهم.» ایشان عدالت را از درون خانه و فامیل خود اجرا می کنند تا بعد، بتوانند فریادشان را بلند کنند که «به خدا، از حلقوم ستمگر، حتی اگر نیرومند باشد، حق مظلوم را بیرون می کشم و داد مظلوم را می ستانم؛ حتی اگر ضعیف ترین افراد امّت باشد.» چه کسی می تواند این فریاد را سردهد و همهٔ مردم و همهٔ تاریخ هم بگویند که راست می گوید؟ کسی که اول، نسبت به خود و فرزند و نزدیکانش، عدالت را اجرا کرده باشد.

۲-۰۱ ایجاد جهان بینیِ مشترک بین افراد خانواده:

شما کتاب هایی خوانده اید، مطالبی شنیده اید، جلساتی رفته اید و با وعظ و ارشادهای خاصی آشنا

بوده ایـد که فرزنـدان شـما با آن ها آشـنا نیسـتند. آنان کتاب های دیگری می خوانند، جلسات دیگری می روند و مطالب دیگری می شـنوند. بچه، کار را به گونه ای می شـناسد و پدر، آن را چیز دیگری می داند. بچه از خدمت، شناختی دارد و پدر، آن را به شکل دیگری می شناسد. تلقی و برداشت آنـان از یـک عبـارت، متفـاوت است. بنـابراین، طبیعی است که رفته رفته، فاصـلهٔ زنـدگی شـما با آنان بیشتر می شود. اکنون، دغدغهٔ شما این است: «چه کنیم که در سطح مشترکی قرار بگیریم؟»

کتابی را که به فرزندتان می دهند یا خودِ او تهیه و مطالعه می کند، اگر شما هم توانستید، ورقی بزنید. وقتی بچه ها بزرگ تر شدند و توانستند هر کتابی را مطالعه کننـد، کتابی را که شـما پسـندیده اید، به آنان نیز بدهید تا بخوانند. در جلسات تبلیغی که شـرکت می کنید، آنان را هم با خود ببریـد. اگر مقـدور باشـد، در جلساتی که آنان می رونـد، شـما نیز شـرکت کنیـد. دراین صورت، به تدریج، جهان بینی و محصول فکریِ مشترکی پیدا می شود. با این روش، امید می رود که ان شاءالله، بتوانید محیطی صمیمی به وجود آورید.

ص:۳۱

تصویر



ص:۳۲

نکتهٔ نهایی

تصویر

نکتهٔ نهایی

ص:۳۳

چنانچه شما به واعظی علاقه منـد نباشید، حرف های او در شما اثر نمی گذارد؛ حداکثر، می گویید هنرمند خوبی است و خوب صحبت می کنـد؛ اما او در شما اثری نخواهـد داشت. اگر می خواهید فرزندتان را بسازید و تربیت کنید، او باید به شما علاقه داشته باشد، به شما احترام بگذارد و برای شما شخصیت قائل باشد تا موفق باشید؛ وگرنه، اگر برای شما شخصیت و ارزش قائل نباشد، چگونه می توانید او را تربیت کنید و دستش را بگیرید؟ به این دلیل است که یکی از پایه های تربیت، صمیمیت است]... وَلَوْ کنتَ فَظًّا غَلِیظَ الْقَلْبِ لاَنفَضُّواْ مِنْ حَوْلِكَ[(= ای پیامبر، اگر خشن و سخت گیر و بدخو بودی، مردم از دورت پراکنده می شدند.) (آل عمران/۱۵۹) اما تو که با مردم اُنس داری، به آنان عشق می ورزی، با آنان صمیمی هستی و آنان نیز با تو صمیمی هستند، این چنین گوش به فرمان های تو دارند و از آن ها اطاعت می کنند؛ والّا در محیطی که اعتماد و پاکی و شخصیت نباشد، نفوذ معنوی و روحی وجود ندارد.

خداوندا، به ما توفیق ده که در راه اجرای دستورهای مقدست بکوشیم و در تربیت

ص:۳۴

فرزندانمان، موفق باشیم. کمک کن فرزندان ما، نورچشم ما و مایهٔ امید و مددکار ما در زندگیِ معنوی آیندهٔ ما باشند:]رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّیاتِنَا قُرَّهَ أَعْینٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِینَ امَامًا.[(فرقان/۷۴)

تصویر


نسخهٔ دیجیتالی رهنما
مرکز پخش: مشهد مقدس، نبش ورودی باب الجواد علیه السلام
فروشگاه عرضهٔ محصولات رضوی
تلفن: ۰۵۱۱-۲۲۸۵۲۰۴
RAZAVI

ص:۳۶

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹
امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹